

گزارش تک دنیاچندری

نیاز به قانون، این روزها بیش از هر زمان دیگری در فوتبال احساس می‌شود؛ قانونی بازدارنده که بتواند دست دلال‌ها و مدیران نالایق را هر چند اندک ببندد یا حداقل در پوست گردو قرار دهد تا بیش از این شاهد خدشه‌دار شدن آبرو و حتی شخصیت فوتبال ایران نباشیم؛ فوتبالی که برای عده‌ای صرفاً به معنای منبعی جهت درآمدزایی است و بس.

■ ■ ■

هر چند فوتبال ایران مملو از قوانین ریز و درشتی است که عمدتاً خیلی هم به آن توجه و استناد نمی‌شود اما بی‌تردید حتی اگر به قوانین آنطور که باید و شاید عمل نشود هم قانون داشتن بهتر از بی‌قانونی است چرا که ممکن است همین قوانینی که امروز مورد توجه قرار نمی‌گیرد روزی بتواند به داد فوتبال برسد و آن را از چنگال مدیران ناکارآمدی که دست‌شان با دلال‌ها در یک کاسه است، نجات دهد؛ مدیرانی که با پهن کردن فرش قرمز برای سودجویان، کار را به جایی رسانده‌اند که علاوه بر حیف و میل پول ملت، شخصیت فوتبال ایران نیز به واسطه مشت‌آلودی به تسمخر گرفته شده است!

نه آنکه استفاده از مربی و بازیکن خارجی اشتباه باشد، نه همانطور که امیر حاج‌زایی، کارشناس فوتبال نیز می‌گوید، امروزه علوم به فوتبال کمک می‌کنند و برای این رشته مرز جغرافیایی وجود ندارد، همین عامل باعث شده است در دنیای حرفه‌ای حساسیتی نسبت به این موضوع که مربی داخلی یا خارجی باشد به وجود نیاید. با همین دیدگاه است که در تمام دنیا، تیم‌های مطرح و صاحب سبک از بازیکنان و مربیان خارجی برای تبادل اطلاعات، دانش‌ته‌های فنی و ارتقای سطح فوتبال استفاده می‌کنند. در واقع تیم‌ها جای تکیه کردن به داشته‌های خود، مدام در حال به اشتراک گذاشتن آن هستند و از این راه در مسیر توسعه و پیشرفت گام برمی‌دارند، اما به شکلی اصولی و کاملاً حرفه‌ای؛ مسئله‌ای که در فوتبال ایران کوچک‌ترین توجهی به آن نمی‌شود، به طوری که با وجود یک کشیدن پسوندها حرفه‌ای، هنوز هم بعد از ۲۴ سال به کلاهی می‌مانیم که امدر راه رفتن کبک را یاد بگیرد راه رفتن خودش را هم فراموش کرد!

فوتبال ایران با وجود آماتور بودن ظرفیت و توانمندی‌های بالقوه و غیرقابل انکاری داشت که بعد از حرفه‌ای شدن فوتبال برای رشد و توسعه باید در مسیر درست قرار می‌گرفت، اما از همان گام نخست به بیراهه رفت و هرگز دیگر نتوانست به مسیر اصلی بازگردد. پرواضح است که در چنین شرایطی کار برای افراد سودجود و منفعت‌طلب مهیا می‌شود؛ افرادی که طی این سال‌ها چنان زمام امور را به دست گرفتند که راهی از آنها به رویا می‌ماند و حتی اصولی شدن برخی تیم‌ها نیز نتوانست دست آنها را از فوتبال کشور کوتاه و دایره فعالیت‌شان را محدود کند. شاید چون در تمام طول این مدت نه هرگز نظارت درست و درمانی وجود داشت و نه قانونی که بتواند از آقایان زهر چشم بگیرد و آنها را قدامی هم که شده به تصور براند.

بی‌شک مقصود می‌شد با خصوصی شدن سرخابی‌های پایتخت، دست دلال‌ها تا حد زیادی از فوتبال کوتاه شود اما اوضاع نه فقط بهتر نشد که بدتر هم شد، به طوری که حالا به لطف مدیران

گزارش ۲ فردین حسن

مربیان خارجی زیادی به فوتبال ایران آمده‌اند؛ مربیانی که بسیاری از آنها با آنچه توقع داشتیم فاصله نجومی داشتند؛ مربیانی که اگر قرار باشد نامی از آنها برده شود در این کوه نامه گنجینه، اسامی اتفاقات و جایه‌جایی‌های عجیب و غریب فصل جاری فوتبال ایران باعث شده است مربیان خارجی آن هم از بقیه فصول متمایز باشند. آنچه در پی می‌آید بررسی عملکرد سه سرمربی در سه تیم بزرگ ایران است؛ مردانی که آمدند و تأثیرات خود را بر فوتبال ایران گذاشتند. دو نفر نشان بدون کارنامه آمدند و شکست خورده برگشتند و یکی دیگر با کارنامه پربار اما مذاکرات فوتبالی اجازه نداد بتواند موفقیت‌هایش را در فوتبال ایران تکرار کند. حال‌ا ما هستیم و درس‌هایی که از حضور این سه سرمربی در فوتبال مان گرفته‌ایم. اینکه چگونه بر خورد و چگونه فوتبال مان را در آینده مدبریت کنیم، تنها و تنها به خودمان برمی‌گردد. اگر مثل دو مورد شکست خورده همچنان دلال‌ها برای مسان تعیین تکلیف کنند که هیچ اما اگر بخواهیم درست حرکت کنیم، آن وقت می‌توان امیدوار بود که شاید اتفاقی رخ دهد.

■ ■ ■

سپاهان و خوشبختی فراموش شده

زده‌های اصفهانی پس از ناکامی‌های بی‌دری در لیگ برتر به این نتیجه رسیدند که باید یک مربی موفق و با کارنامه را استخدام کنند؛ مردی که بتواند به عدم موفقیت‌های آنان پایان دهد، یکی که کارنامه داشته باشد و فوتبال آسیا و ایران را هم بشناسد. اینگونه بود که به نام خوزه مورایس رسیدند.

مورایس استخدام شد تا کاری را که در کره یا جوتوبوک و در عربستان یا الهلال انجام داده بود، تکرار کند و سپاهان را هم به قهرمانی در لیگ برساند اما تلاش زیاد مرد برتغالی و شاگردانش در لیگ‌های ۲۲ و ۲۳ به نتیجه منظر منتج نشد. آنها هر دو مرتبه کار خود را خوب شروع کردند اما در میانه و انتهای فصل دچار تزلزل شدند و به ترتیب با ۶۵ و ۵۷ امتیاز، رتبه‌های دوم و

سوم را به خود اختصاص دادند. تیم او در فصل جاری نیز نمایش خوبی داشت و با انجام ۹ بازی و کسب ۲۰ امتیاز، صدرنشین جدول بود اما دیگر همکاری طرفین ادامه پیدا نکرد. طلایی پوشان در لیگ ۲۴ نسبت به دو لیگ قبلی میانگین امتیازگیری بیشتری داشتند، البته ممکن بود دوباره آنها همانند دو فصل قبلی در ادامه کار با افت عملکرد مواجه شوند و جایگاه اولی را به رقبای‌شان تقدیم کنند. هواداران سپاهان حتماً مورایس را با افت عملکرد هشت شکست پشت سر هم در تجربه کرد تا عملاً از تمام اهداف خود فاصله بگیرد. این سرمربی برتغالی و ۹۵ساله سپاهان را ترک کرد، او طی دو سال و چهار ماه و ۱۰ روز، ۸۸ مرتبه روی نیمکت طلایی پوشان نشست که حاصل آن یک عنوان قهرمانی در جام حذفی بود؛ جامی که می‌توانست بر تعداد افزوده شود اما اتفاقات زیادی

برای مورایس و باشگاه سپاهان رخ داد، مانع این اتفاق شد و او هم نتوانست تسلیم قهرمان نشدن این تیم اصفهانی را در لیگ برتر پس از مدت‌ها بشکند.

سپاهان برای جلوگیری از بهانه تراشی مورایس دست به هر کاری زد، جذب ستاره‌های بر تعداد طی دوه سال اخیر از جمله این اقدامات بود ولی خب ایراد کار جای دیگری وجود چون حتی با وجود جذب بازیکنان خوب و کارنامه موفق مورایس در دو کشور آسیایی، سپاهان هرگز نتوانست نتیجه دلخواه خود را کسب کند. طبیعتاً نمی‌توان به دوران حضور ژوزه در جمع طلایی پوشان نمره بالایی داد چرا که

رفتارشان به گونه‌ای است که گویی حضورشان، افتخاری است برای فوتبال ایران! فوتبال ایران مربیان خارجی کم به خود ندیده است؛ مربیان صاحب سبکی که خاطرات خوبی از خود به جای گذاشته‌اند، مربیانی چون رایکوف، بلاژویچ، دنیزی، کرانچار و برانکو اما همانطور که جلال چراغپور نیز به آن اشاره می‌کند، فوتبال ایران عمدتاً سراغ مربیانی می‌رود که دوران بازی‌نشستگی خود را می‌گذرانند و تفکرات آنها در فوتبال روز دنیا دیگر آن خلایقیت لازم را ندارد؛ مربیانی که اگر

فوتبال قهرمانی در جام حذفی بود؛ جامی که می‌توانست بر تعداد افزوده شود اما اتفاقات زیادی برای مورایس و باشگاه سپاهان رخ داد، مانع این اتفاق شد و او هم نتوانست تسلیم قهرمان نشدن این تیم اصفهانی را در لیگ برتر پس از مدت‌ها بشکند.

سپاهان برای جلوگیری از بهانه تراشی مورایس دست به هر کاری زد، جذب ستاره‌های بر تعداد طی دوه سال اخیر از جمله این اقدامات بود ولی خب ایراد کار جای دیگری وجود چون حتی با وجود جذب بازیکنان خوب و کارنامه موفق مورایس در دو کشور آسیایی، سپاهان هرگز نتوانست نتیجه دلخواه خود را کسب کند. طبیعتاً نمی‌توان به دوران حضور ژوزه در جمع طلایی پوشان نمره بالایی داد چرا که

سوم را به خود اختصاص دادند. تیم او در فصل جاری نیز نمایش خوبی داشت و با انجام ۹ بازی و کسب ۲۰ امتیاز، صدرنشین جدول بود اما دیگر همکاری طرفین ادامه پیدا نکرد. طلایی پوشان در لیگ ۲۴ نسبت به دو لیگ قبلی میانگین امتیازگیری بیشتری داشتند، البته ممکن بود دوباره آنها همانند دو فصل قبلی در ادامه کار با افت عملکرد مواجه شوند و جایگاه اولی را به رقبای‌شان تقدیم کنند. هواداران سپاهان حتماً مورایس را با افت عملکرد هشت شکست پشت سر هم در تجربه کرد تا عملاً از تمام اهداف خود فاصله بگیرد. این سرمربی برتغالی و ۹۵ساله سپاهان را ترک کرد، او طی دو سال و چهار ماه و ۱۰ روز، ۸۸ مرتبه روی نیمکت طلایی پوشان نشست که حاصل آن یک عنوان قهرمانی در جام حذفی بود؛ جامی که می‌توانست بر تعداد افزوده شود اما اتفاقات زیادی

برای مورایس و باشگاه سپاهان رخ داد، مانع این اتفاق شد و او هم نتوانست تسلیم قهرمان نشدن این تیم اصفهانی را در لیگ برتر پس از مدت‌ها بشکند.

سپاهان برای جلوگیری از بهانه تراشی مورایس دست به هر کاری زد، جذب ستاره‌های بر تعداد طی دوه سال اخیر از جمله این اقدامات بود ولی خب ایراد کار جای دیگری وجود چون حتی با وجود جذب بازیکنان خوب و کارنامه موفق مورایس در دو کشور آسیایی، سپاهان هرگز نتوانست نتیجه دلخواه خود را کسب کند. طبیعتاً نمی‌توان به دوران حضور ژوزه در جمع طلایی پوشان نمره بالایی داد چرا که

سوم را به خود اختصاص دادند. تیم او در فصل جاری نیز نمایش خوبی داشت و با انجام ۹ بازی و کسب ۲۰ امتیاز، صدرنشین جدول بود اما دیگر همکاری طرفین ادامه پیدا نکرد. طلایی پوشان در لیگ ۲۴ نسبت به دو لیگ قبلی میانگین امتیازگیری بیشتری داشتند، البته ممکن بود دوباره آنها همانند دو فصل قبلی در ادامه کار با افت عملکرد مواجه شوند و جایگاه اولی را به رقبای‌شان تقدیم کنند. هواداران سپاهان حتماً مورایس را با افت عملکرد هشت شکست پشت سر هم در تجربه کرد تا عملاً از تمام اهداف خود فاصله بگیرد. این سرمربی برتغالی و ۹۵ساله سپاهان را ترک کرد، او طی دو سال و چهار ماه و ۱۰ روز، ۸۸ مرتبه روی نیمکت طلایی پوشان نشست که حاصل آن یک عنوان قهرمانی در جام حذفی بود؛ جامی که می‌توانست بر تعداد افزوده شود اما اتفاقات زیادی



تصاویر: علی جوان

ضرورت وجود قوانین بازدارنده

فوتبال ایران بهشت مربیان بی کیفیت

چه دوران مربیگری آنها رو به پایان است یا حتی پایان یافته اما به واسطه افراد سودجود چنان بی‌فوتبال ایران تأمی‌کنند که گویی یکی از بهترین‌های دنیا هستند و فوتبال ایران باید ممنون حضور آنها باشد، در حالی که قرار نیست هر مربی صرف خارجی بودن مربی خوب و با کیفیتی باشد، اما به نظر می‌رسد این مسئله برای آقایان و به وقت انتخاب کمترین اهمیتی ندارد که عمدتاً شاهد حضور مهره‌های سوخته در فوتبال ایران هستیم؛ مربیانی که گاهی در عین نابوری شاهد آن هستیم که به رغم با کام بودن همچنان

فوتبال ایران بهشت مربیان بی کیفیت است؛ مربیانی که گاهی در عین نابوری شاهد آن هستیم که به رغم با کام بودن همچنان

فوتبال ایران بهشت مربیان بی کیفیت است؛ مربیانی که گاهی در عین نابوری شاهد آن هستیم که به رغم با کام بودن همچنان

فوتبال ایران بهشت مربیان بی کیفیت است؛ مربیانی که گاهی در عین نابوری شاهد آن هستیم که به رغم با کام بودن همچنان

فوتبال ایران بهشت مربیان بی کیفیت است؛ مربیانی که گاهی در عین نابوری شاهد آن هستیم که به رغم با کام بودن همچنان

به فعالیت خود در فوتبال ایران ادامه می‌دهند و گاه از تیم‌های باشگاهی به رده‌های ملی هم می‌رسند، حال آنکه نه تنها خارج از ایران که در ایران هم پرورنده قابل استناد و قابل قبولی نداشته‌اند! اما پرواضح است که دلال و رابط آنها خوب بوده که با وجود ناکامی‌های متعدد، همچنان نمی‌توانند به مربیگری در فوتبال ایران ادامه دهند. بی‌آنکه آب از آب تکان بخورد!

طی همین یکی دو سال اخیر موارد جالب توجهی را شاهد بودیم. از گاریدو گرفته که رقم قراردادش در داخل و خارج ایران زمین تا آسمان فاصله داشته تا موسیما نه پر توفعی که چند صبحی برای دلالی و تفریح به ایران آمد و بعد از قیافه گرفتن برای اصحاب رسانه و لیچار بار بازیکنان کردن رفت و پشت سرش را نگاه نکرد و کارنال ترک تباری که نیامده با چنان نگاه از بالا به پایینی با خبرنگاران صحبت می‌کند که گویی احدی حق انتقاد از او را ندارد! جدیدترین تحفه آقایان نیز ماتزاری است! مربی ایتالیایی که درخواست هشت دستیار کرده و با وجود درخواست ۴ میلیون یورویی، در عین نابوری قرار است استقلال را نه از روی نیمکت که از روی سکوها هدایت کند و نظری جویباری، مدیرعامل استقلال نیز ابایی ندارد تا تأیید آن: «برای این فصل احتمال دارد چنین اتفاقی رخ دهد. ایشان عنوان کرده که ممکن است از روی سکوها تیم را هدایت کند، اما این احتمال نیز وجود دارد که پس از سه یا چهار هفته روی نیمکت بنشیند. تصمیم نهایی به شرایط پیش رو و برنامه‌ریزی فصل آینده بستگی دارد؛ جایی که ماتزاری می‌خواهد تیم را مطابق دیدگاه خود ببندد.»

آیا نباید قوانینی وضع شود تا جلوی حضور این دست مربیان خارجی در فوتبال ایران را بگیرد؟ نباید شرایط به گونه‌ای باشد که دست آقایان اندکی هم که شده برای جذب مربیان بی‌کیفیت و وضعی که فقط ادعا دارند و خواسته‌های قلمه و سلمه بسته شود؟ پیش از این شاهد حضور بازیکنان عجیب و غریب در فوتبال ایران بودیم؛ بازیکنان هیپاتی و کارگران بیکاری که به لطف مدیران بی کفایت پای‌شان به فوتبال ایران باز شده بود و هزینه‌های گزافی را روی دست ملت گذاشته بودند تا شاید سبیل برخی‌ها چرب شود؛ بازیکنانی که با وضع قوانین مختلف اندکی جلوی حضور آنها گرفته شد. برای نمونه دیگر هیچ تیمی نمی‌تواند بدون تست دادن اقدام به جذب بازیکن خارجی کند و اگر بازیکنی که جذب کرده نتواند کارایی لازم را داشته باشد، برای سال آینده سهمیه آن باشگاه کم خواهد شد، هر چند این قوانین هنوز آنقدر نیست که بتواند به طور کامل دست دلال‌ها و مدیران ناکارآمد را از جیب ملت بکشد اما توانسته است محدودیت‌هایی به چهره‌های اندک ایجاد کند؛ محدودیت‌هایی که باید با وضع قوانین بازدارنده دایره جولان افراد سودجود را در جذب مربیان خارجی نیز کوچک‌تر کند؛ قوانینی که اجازه ندهد هر کسی صرف مربی بودن و خارجی بودن به لطف آقایان سرسش را با این سبندازد و وارد فوتبال ایران شود و ضمن گرفتن قیافه، هزینه‌های هنگفتی نیز روی دست ملت بگذارد؛ بی‌تردید تجربیات تلخ سال‌های اخیر ثابت کرده است باید در جذب سرمربیان خارجی هم آداب و رسوم حرفه‌ای و خاصی را رعایت کرد که در غیر این صورت بدون هیچ سود و منفعتی شاهد آن خواهیم بود که فوتبال ایران به بهشت مربیان بی‌کیفیت تبدیل شده است.

پرسپولیس عملاً شانس صعود به مرحله بعدی لیگ قهرمانان آسیا و حتی قهرمانی در لیگ برتر را از دست بدهد.

پرسپولیس با گاریدو ۱۳ بار در لیگ برتر ایران بازی کرد که تنها ۳۳ امتیاز توانست جمع آوری کند تا میانگین ۱/۷۶ امتیاز از هر بازی را کسب کند؛ تیمی که با این میزان امتیاز جایی در بین مدعیان جدی قهرمانی نداشت تا از سپاهان اصفهان و تراکتور تبریز فاصله زیادی بگیرد و هوادار را نگران کند. اعتراض طرفداران پرسپولیس به مدیریت و سرمربی باشگاه باعث شد خیلی زود گاریدو اخراج شود و جای او را کریم باقری به عنوان سرمربی موقت بگیرد، اما ترکش‌های حضور گاریدو در پرسپولیس همچنان به سرصورت این تیم می‌خورد. پرسپولیس با وجود استخدام کارنال ترک‌بهای هنوز نتوانسته است خودش را جمع و جور کند. حذف از لیگ نخبران آسیا، حذف از گردونه رقابت‌های جام حذفی، از دست دادن سورپامور و بازی‌های پرافتخوین در لیگ برتر که بیشتر باعث نگرانی هواداران است، نمره دوران کوتاه حضور گاریدو در پرسپولیس است.

ناکارآمدی مدیران پرسپولیس و سپردن هدایت تیم قهرمان ایران به دست یک مربی شکست خورده و سبیل اخراج کار را به جایی رسانده که امروز پرسپولیس باید تلاش کند شاید بتواند در پایان فصل در جمع سه تیم بالای جدول قرار گیرد. نکته مهم اینکه گاریدو با وجود این کارنامه مبالغه قوی توجیه (۴۰۰ هزار دلار) هم گرفت و رفت. گاریدو از ایران بلافاصله راهی لیبی شد و در آنجا تنها با ۲۶ هزار دلار مربی شد ولی در لیبی هم چندان دوام نیاورد و اخراج شد تا ثابت شود دلال‌ها چگونه مربیان بی کفایت و بسدون کارنامه را راهی فوتبال ایران می‌کنند و مدیران بی کفایت فوتبال ایران هم چگونه با خیال راحت بیت‌المال را به پای این خارجی‌های بی‌بیکار می‌ریزند. گاریدو همچنان در حال اخراج شدن است ولی خب برای او اهمیتی ندارد پرسپولیس بابت حضور او چنان ضربه‌ای بخورد که بعید به نظر می‌رسد تا مدت‌ها بتواند سرپا شود.



از مورایس سپاهان تا موسیما نه و گاریدو سرخابی‌ها

چرا درس نمی‌گیریم!؟

کسب جام جانشینن جواد نکونام در استقلال شد. استقلال با نکونام فصل قبل در عین شایستگی دوم شد ولی خب اختلاف نظر نکونام با مدیران باشگاه کار را به جدایی کشاند تا پای یک آفریقایی به فوتبال ایران باز شود. پیتسو موسیما نه که می‌گفتند هر تیمی در هر جای دنیا جام بخواهد می‌رود سراغ او، موسیما نه از «پناه» عربستان به استقلال آمد، حالا شما بروید و بگردید که این تیم کجای فوتبال عربستان است، به هر حال دست دلالش درد نکند خوب او را به استقلال قالب کرد.

موسیما نه بدو ورود تقاضای ویلا و استخر کرد تا آنها که برخلاف مدیران بی‌کفایت استقلال حواس‌شان بود، متوجه شوند چه کلاه گشادی سر یکی از بزرگ‌ترین تیم‌های فوتبال ایران رفته است. مرد آفریقایی پر ادعا ۱۴ بازی سرمربی استقلال بود ۱۰ بازی در رقابت‌های لیگ برتر، سه بازی در لیگ نخبران آسیا و یک بازی در جام حذفی. موسیما نه در این مدت موفق به کسب سه پیروزی شد، او با استقلال هفت تساوی کسب کرد و چهار بار هم باخت تا تنها بعد از ۹۴ روز هدایت استقلال قراردادش را به صورت یک طرفه فسخ کند و از این تیم جدا شود.

به جرئت می‌توان گفت موسیما نه بی‌کیفیت‌ترین مربی خارجی بود، فوتبال‌بی سوده که به اسم متخصص از سوی شبکه دلالی حاکم بر فوتبال به فوتبال ایران انداخته شده است؛ مردی که حالا استقلال باید دلار هم بابت حضور ناموفقش در این تیم پرداخت کند؛ مردی که حالا مدعی است استقلال کارنامه او را خراب کرده و هنوز نمی‌دانیم این کارنامه مربوط به کدام مقطع

